تمثیل جامع اضداد بودن خداوند متعال به اراده‌ی متضاد در نفس

حتی در مسائل سریان نفس در بدن و افعالی که دارد، مثال‌های حکمت‌آمیز خیلی بزرگی هست. بعضی از آن‌ها را قبلاً عرض کرده بودم، الآن اشاره می‌کنم تا یادتان بیاید. یکی از چیزهایی که ما انجام می‌دهیم، دو عضوی هستند که یک دیگر را تمانع می‌کنند. مثلاً دو انگشتش را روی هم فشار می‌دهد؛ دو انگشتش را طوری به هم فشار می‌دهد که اگر آن انگشت زور کم بیاورد، عقب می‌رود. یا اگر انگشت بچه‌ی دیگری بود، آن را عقب می‌برد. این انگشت هم طوری زور می‌آورد که آن انگشت را آن طرف می‌برد. خُب، حالا شما اراده دارید این انگشت جلو برود یا عقب برود؟ دو انگشت برای شما است، کدام یک از آن‌ها را اراده دارید؟ الآن نفس می‌خواهد بگوید این انگشت چپ، عقب برود یا جلو برود؟ اگر می‌خواهد عقب برود، انگشت راست می‌گوید ای انگشت چپ، عقب برو. این‌طور نیست؟ انگشت چپ هم به انگشت راست فشاری می‌آورد و می‌گوید ای انگشت راست عقب برو. شما کدام یک از این‌ها را می‌خواهید؟ خلاصه، انگشت راست می‌خواهد عقب برود یا زور داشته باشد تا جلو برود؟ شما یک واحد هستید که دارید هر دو را مدیریت می‌کنید. اراده‌ی شما در انگشت راست مانعة الجمع نیست با اراده‌ی شما در انگشت چپ. واقعاً در اینجا دو شأن، اراده‌ی شما است. در هر انگشت، شما یک اراده دارید در رأس مخروط. می‌خواهید که این دو با هم در اینجا فشار بدهند. مثلاً می‌خواهید یک چیزی را بچسبانید. الآن طوری است که دو اراده‌ی شأنی مندرج در یک عضو دارید، این اراده‌ای که در این انگشت ظهور می‌کند، از آن اراده‌ای که در آن انگشت ظهور می‌کند، جدا است. ولو هر دوی آن‌ها هم، اراده‌ی شما است. این دو اراده هم شأنی از یک اراده‌ی کلی است که می‌خواهد یک کاری را انجام بدهد.

ببینید! وقتی در سریان نفس در بدن تدبر می‌کنید، این‌ها چقدر ظریف و لطیف است! سریان نفس در بدن؛ نه صرف سریان حضوری، بلکه سریان تدبیری، سریان تحریکی. قوه‌ی علّامه‌ی شما نسبت به حضور در یک بدن و قوّه‌ی عمّاله‌ی شما که می‌خواهد در این بدن کار کند. در این‌که نفس می‌خواهد در این بدن کار کند، یک مدرک است. اما چه عجایبی ظهور می‌کند در این‌که می‌خواهد این بدن را تدبیر کند و تحریک کند.

این‌ها، برای رفع استبعاد، مثال‌های خوبی است. رفع استبعاد یعنی یک چیزهایی که برای خدای متعال گفته می‌شود ...؛ «عرفتُ‌اللّه بجمعه بین الاضداد». این جمله‌ی مبارکه، چندین معنا دارد. «بجمعه بین الاضداد» به چه صورت است؟ خُب، اولش شما می‌گویید، نمی‌شود! جمع بین اضداد چطور می‌شود؟! شروع می‌کنید به مثال زدن. مثال می‌زنید، نه برای آن که چیزی که در خدای متعال است را، اثباتاً بگویید به چه صورت است، بلکه برای این است که بگویید ببین مواردی هست که می‌شود جمع بین اضداد شود. این‌طور.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 15:55:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 فوریه 2024 15:26:49 توسط ... .